

بررسی جایگاه صلح و جنگ در کتب درسی دوره ابتدایی کشور

دکتر کورش فتیحی و اجارگاه

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

در دوران کنونی، جنگ و برخوردهای خشونت‌بار بی‌تردید یکی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع معاصر، به شمار می‌آید. آگاهی‌فزاینده از مخاطرات و نتایج نامطلوب چنین برخوردهایی میان انسان‌ها و نیز میان جوامع مختلف، تلاش‌ها و اقدامات گسترده‌ای را از سوی سازمان‌های متعدد بین‌المللی به دنبال داشته است، و منابع بسیاری در راستای حل این تعارضات صرف شده است. اما آنچه به راستی بدان کمتر پرداخته می‌شود، دلایل شکل‌گیری این آسیب‌ها، به ویژه در فرایند تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان است. مقاله پژوهشی حاضر، یکی از مهم‌ترین عناصر نظام آموزش و پرورش کشور، یعنی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی را با توجه به مفاهیم صلح و جنگ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و نقاط ضعف و قوت برنامه‌های درسی را از زوایا و ابعاد مختلف برشمرده است.

واژگان کلیدی: صلح، جنگ، آموزش و پرورش، کتب درسی دوره ابتدایی.

مقدمه

در دهه آغازین هزاره جدید، قرن بیستم را بنا بر چند واقعه بزرگ و دزدناکی که با جنگ جهانی اول آغاز شد، و باز در خوردهای مسلحانه، شورش‌های خشونت‌بار،

درگیری‌های ملی و بین‌المللی و پیامدهای بلندمدت این وقایع به خاطر می‌آوریم. تجربیات و میراث قرن بیستم بی‌مها و امیدهای بسیاری را فراروی جامعه بشری قرار داده است، اما گویا این جامعه بر آن نیست که از این تجربیات به‌راستی درس گیرد؛ چه، در دهه آغازین هزاره سوم، گسترش موج ترور و خشونت از یکسو و منازعات و برخوردهای موجود در چارچوب مرزهای جغرافیایی کشورها و یا در بین ملل مختلف از سوی دیگر جملگی بیانگر آن است که علی‌رغم گسترش فناوری ارتباطی و شکل‌گیری دهکده جهانی، هنوز آدمیان در مفاهمه و تأمین منافع خود از طریقی غیر از خشونت و جنگ ناتوانند.

هم‌اکنون سازمان‌ها و نهادهای متعددی در سطح جهان برای تأمین صلح و حفظ آن در تلاشند و گسترش فزاینده سمینازها، کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های ملی و بین‌المللی در این راستا - جملگی - نمایانگر آن است که شبح جنگ همانند قرن بیستم جوامع انسانی را تهدید می‌کند. این چگونگی حتی در سطوح خانوادگی، گروهی و جامعه محلی نیز مشاهده می‌شود. با این همه، جای بسی تأسف و شوربختی است که در دنیای کنونی، بخش مهمی از منابع و انرژی آدمی در راه برقراری آشتی و حل تعارضات مصرف می‌شود، در حالی که - ولو به‌طور متوازی - آموزش و پرورش برای صلح نیز می‌تواند در دستور کار قرار گیرد تا از این رهگذر، کودکان و نوجوانانی که در آینده زمام امور را به‌دست خواهند گرفت، ارزش‌های صلح و مفاهمه را بیشتر درک کنند. تحقق آرزوی جهانی برای صلح، به تربیت شهروندانی صلح‌جو منوط است و این مهم محقق نخواهد شد مگر آنکه آموزش صلح، از رسالت‌های بنیادین نظام‌های آموزشی قلمداد شود. مقاله حاضر، در راستای درک اهمیت و ضرورت مسأله، برنامه‌ها و کتب درسی مدارس ابتدایی را با توجه به مفاهیم و آموزه‌های صلح و جنگ ارزیابی می‌کند و بر آموزش صلح در کلیه فعالیت‌های تربیتی مدارس تأکید دارد.

مفهوم صلح

واژه صلح (peace) از دیدگاه مردمان و جوامع مختلف، معانی متفاوتی دارد. به عبارات روشتر، برداشت‌ها و تعبیر افراد از این واژه، از متغیرهای متعددی تبعیت می‌کند که در کانون این متغیرها، عوامل فرهنگی و سیاسی قرار دارد؛ و این تکثر متغیرها بر تکثر جوانب مفهوم گسترده و وسیع صلح دلالت دارد. طبق نظر باراش در یک بررسی تحلیلی که دیدگاه‌ها و نظرات ارائه شده درباره مفهوم صلح را از لحاظ تاریخی بررسی کرده (Barash, P.62)، واژه Pax در زبان رومی به معنای فقدان خشونت تحت لوای قوانین حقوقی می‌باشد و همچنین واژه Eirene در زبان یونانی به معنای عدالت و هماهنگی، و واژه Shalom در زبان عبری و سلام عربی به معنای عدم وجود خشونت ساختاری و عدالت است و جملگی مفاهیمی هستند که مترادف صلح به کار می‌روند. به همین سان، واژه چینی Ping و واژه ژاپنی Heiwa نیز بر صلح توأم با عدم خشونت و سازگاری متقابل اجتماعی دلالت دارند. (Galtung, 1985, P.155) همچنین واژه‌های هندی Shanti و بودایی Ahimsa به معنای رفتار صلح‌جویانه و تفکر سازگارانه می‌باشند. (Sydiaha, P.54)

طبق پژوهش‌های مختلف، نه تنها واژه‌های مورد استفاده برای مفهوم صلح در جوامع مختلف، متفاوت است، برداشت‌های افراد از این واژه نیز یکسان نمی‌باشد. برای مثال، پژوهشی در ایالات متحده آمریکا در خصوص برداشت‌های مردم آن جا از صلح، نشان می‌دهد که آنان صلح را در معنای زندگی به دور از خشونت و توأم با عدالت اجتماعی و آزادی بیان تعریف می‌کنند. (Hendrickson, P.83) در همان حال، پژوهشی در جامعه استرالیا نشان می‌دهد که مردم آن جا صلح را عدم خشونت، و وجود همکاری مدنی، درک و فهم متقابل و بردباری تعریف می‌کنند. (Brandt, P.16)

همچنین در بررسی ادبیات آموزش صلح و بررسی آرا و اندیشه‌های صاحب‌نظران مختلفی چون ریدون (Reardon)، ولف (Wulf)، استورگن (Sturgen)، باراش (Barash)، گالتونگ (Galtung) و مونته‌سوری (Montessori) نیز چنین اختلاف نظری

مشاهده می‌شود؛ چنانکه برخی جلوگیری از جنگ و «خلع سلاح» (dismantment) را در راستای صلح می‌دانند و برخی دیگر بر بسترسازی و زمینه‌سازی برای صلح تأکید می‌کنند. وجود مفاهیمی چون عدم خشونت، آموزش چندفرهنگی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و ظرفیت‌سازی اخلاقی و زیست محیطی بر وجود دیدگاه‌های مختلف در این زمینه دلالت دارد.

در یک طبقه‌بندی کلی، می‌توان حداقل دو برداشت متفاوت از صلح را در واژه‌ها و لغات به کار رفته در جوامع مختلف، برداشت‌های عموم مردم و نظرات صاحب‌نظران و اندیشمندان از یکدیگر تمیز داد:

۱. صلح منفی (negative peace) یا حفظ صلح (peace keeping)؛

۲. صلح مثبت (positive peace) یا ایجاد صلح (peace building).

صلح منفی به معنای عدم وجود جنگ یا برخورد است و خشونت فیزیکی یا مستقیم را نفی می‌کند. در چنین برداشتی، حفظ صلح و جلوگیری از کشمکش از طریق اجرای برنامه‌های حل تضاد و میانجی‌گری در دستور کار است (Reardon, P.28)؛ اما منظور از صلح مثبت، تلاش برای ایجاد جامعه‌ای برابر و عادلانه است که در آن کرامت و شأن انسانی مورد توجه قرار گیرد؛ همکاری و مشارکت ترویج گردد؛ افراد نیازهای اجتماعی، فیزیکی، روانشناختی و ذهنی خود را به طور صلح‌آمیز دنبال نمایند. (Wulf, P.2) صلح مثبت به مسائل مرتبط با خشونت غیرمستقیم یا ساختاری (زمینه‌های مربوط به قوانین، مقررات و مانند آن) می‌پردازد و بر مفاهیمی چون حقوق بشر، عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی تأکید دارد. (Hendrickson, P.34)

همانطور که ماریا مونته‌سوری می‌گوید:

اگرچه عموماً از صلح، پایان بخشیدن به خشونت و جنگ (= صلح منفی) استنباط می‌شود، صلح واقعی، ترویج و اعتلای عدالت و عشق در میان انسان‌ها و ایجاد دنیایی بهتر است که در

آن هماهنگی، همسازي و توافق حاکم باشد. (Montessori, P.7)

پس، به جای پرداختن به برنامه‌های حل تعارض که عمدتاً صلح موقت و سطحی را به

دنبال دارد، باید از طریق احترام به فرهنگ‌های مختلف، صلح مثبت را در جامعه پی‌ریزی نمود. (Strugen, P.43)

در یک برداشت وسیع می‌توان گفت منظور از صلح، عدم خشونت در کلیه اشکال مستقیم و غیرمستقیم آن، و نیز تضمین حقوق اعضای جامعه است، به نحوی که همه آن‌ها در قدرت و توزیع منابعی که در حفظ آن نقش دارند، مشارکت نمایند. (Brock-Utne, P.2) در حقیقت، فرایندی است دربرگیرنده مجموعه‌ای از مهارت‌ها در راستای برقراری ارتباط و رعایت قواعد اخلاقی که هیچ کس از آن منتزِع نمی‌شود. (Sydiahā, P.54) و از این رو، هم ایجاد صلح و هم حفظ آن، با آموزش و پرورش و آماده‌سازی کودکان و نوجوانان برای رفتار صلح‌آمیز در بزرگسالی ارتباط تنگاتنگی دارد.

اهمیت و جایگاه «آموزش صلح» (peace education)

همان‌طور که در مقدمه بدان اشاره شد، در آغاز هزاره جدید چالش‌های عمیقی فراروی جامعه جهانی وجود دارد. موازد متعددی چون انزوای و گوشه‌گیری جوانان از جامعه، افزایش میزان جنایات خشونت‌بار جوانان و نوجوانان، تخریب محیط زیست و درگیری‌های متعدد محلی و بین‌المللی از جمله این مسائل می‌باشند. بر اساس مطالعات انجام شده، خشونت به تدریج در بسیاری از فرهنگ‌ها نهادینه شده است. (Brandt, P.18) به علت پیچیدگی‌های موجود در جهان معاصر و گسترش وسایل ارتباط جمعی، بسیاری از بچه‌ها خشونت را از طریق رسانه‌ها فرا می‌گیرند؛ چون بخش مهمی از وقت خود را در تماشای تلویزیون صرف می‌کنند. (Devine, P.6) همچنین ظهور اینترنت و بازی‌های کامپیوتری خشونت را بیش از پیش ترویج کرده است، به نحوی که به تدریج خشونت به جزئی از فرهنگ تبدیل شده و در قالب رفتارهای عادی و روزمره نوجوانان و جوانان متبلور می‌شود؛ پدیده‌ای که از آن تحت عنوان «طبیعی سازی خشونت» (normalization of peace) نام برده می‌شود.

در چنین وضعیتی، با لحاظ مجموعه برخوردهای بین‌المللی در قالب کشمکش‌های موجود در بین دول مختلف، گسترش پدیده تروریسم و دست‌یازی به روش‌های خشونت‌آمیز برای دستیابی به منافع، ضرورت بازاندیشی به برنامه‌ریزی آموزش صلح در سطح مدارس پیش از پیش آشکار می‌شود. مدرسه در حقیقت باید مکانی برای آموزش و پرورش برای صلح و مفاهیم باشد و دانش، مهارت‌ها و بینش‌های عمیق و ضروری را در دانش‌آموزان ایجاد نماید؛ زیرا کودکان و نوجوانان امروز، رهبران و تصمیم‌گیرندگان آینده‌اند و هرگونه تلاش برای ایجاد باور عمیق در آنان نسبت به صلح و ضرورت احترام به خود، دیگران و محیط پیرامون، می‌تواند در خلق و حفظ جهانی صلح‌آمیز بسیار مؤثر باشد. (Devine, P.18)

گرچه مدارس به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ترویج فرهنگ صلح از جایگاه ویژه‌ای در ادبیات آموزش صلح برخوردار هستند، شواهد و مطالعات متعدد (Carsson and Levin, P92; Strugen, P41) نشان می‌دهد که اعمال خشونت در مدارس از رشد تأسف‌باری در دو دهه گذشته برخوردار بوده است و برخلاف آنچه انتظار می‌رود، مدارس همگام با بسیاری از رسانه‌ها و مؤسسات، خشونت را به اشکال مختلف در ذهن و رفتار دانش‌آموزان شکل می‌دهند.

جینفر جیمز، از محققان حوزه آموزش صلح، بر این باور است که حتی بهترین مدارس نیز خشونت را هر روز از طریق قوانین و مقررات، محتوای آموزشی و روش‌های تعلیم و تربیت اعمال می‌کنند. وی معتقد است وقتی قوانین و مقررات آموزشی بدون مشارکت دانش‌آموزان تدوین و اجرا می‌شود یا برنامه‌های درسی مدارس به صورت زمانبندی شده، فقط بر اساس نظر بزرگسالان و بدون کمترین توجه به نیازهای دانش‌آموزان تدوین می‌گردد، همین خود ترویج‌کننده خشونت است. (James, P.34) این نوع خشونت که از آن تحت عنوان خشونت ساختاری نیز نام می‌برند (Galtung, P.63) می‌تواند احساسات منفی و عکس‌العمل‌های عاطفی و هیجانی را در بین دانش‌آموزان ترویج دهد. در چنین وضعیتی دانش‌آموزان احساس می‌کنند که بر

زندگی و تحصیل خود هیچگونه اختیار و کترلی نداشتند. نتیجه طبیعی این فرایند، آسیب دیدن عزت نفس و احساس خود - ارزشمندی بچه‌ها است. که خود یکی از مؤلفه‌های مهم حقوق بشر را تشکیل می‌دهد.

با چنین وضعیتی، باید گفت که آموزش صلح در مدارس احساس نویدبخشی را القاء نمی‌کند. اما در همین حال، مطالعات مذکور این حقیقت را نیز گوشزد می‌کنند که آموزش صلح نمی‌تواند تنها بر توفیق خشونت فیزیکی در مدرسه و جامعه متمرکز باشد بلکه آماده‌سازی بچه‌ها برای زندگی صلح‌آمیز، تعلیم و تربیتی تمام‌عیار را الزام می‌دارد که آگاهی آنان را از خود، اجتماع، فرهنگ و محیط زیست افزایش دهد و این امر نه تنها باید از طریق اجرای برنامه‌های آموزش صلح، بلکه باید در قالب فعالیت‌های تربیتی، تدوین و اجرای قوانین، روش‌های آموزشی و فضا و تعاملات موجود در سطح مدرسه، به ویژه در سطح مدارس ابتدایی که بچه‌ها از آمادگی بیشتری برای جامعه‌پذیری برخوردارند، دنبال شود. (Mcfarland, P.1)

اهداف آموزش صلح

اهمیت و ضرورت آموزش و آماده‌سازی کودکان و نوجوانان برای صلح، حوزه مطالعاتی جدیدی را تحت عنوان آموزش صلح به وجود آورده است. آموزش صلح رشته نوپایی است که در صدد است فرصت‌های لازم برای ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و زیست مسالمت‌آمیز را ایجاد کند. در خصوص هدف‌ها و مقاصد آموزش صلح، دیدگاه‌ها و نظرات متفاوتی ارائه شده است. زبردون (Reardon) بر این باور است که هدف اصلی آموزش صلح، ارتقای بینش جهانی در زمینه نوعی هشیاری و آگاهی اضیل است که همه ما را قادر می‌سازد همچون یک شهروند جهانی رفتار کنیم و شرایط موجود را از طریق ایجاد تغییر در ساختار اجتماعی و الگوی تفکر که بر وضع موجود حاکم است، متحول سازیم. از این رو، باید گفت که این بینش و توانیل به تغییر، در اصل، در کانال آموزش صلح قرار دارد. (Reardon, P.1)

بارنر، یکی دیگر از اندیشمندان صلح، بر این باور است که هدف اصلی صلح، تعمیق این بینش اساسی است که بهزیستی آدیان از طریق جنگ و برخوردهای خشونت بار محقق نخواهد شد بلکه دستیابی به چنین نتیجه‌ای تنها در سایه شناسایی روش‌های مختلف همزیستی امکانپذیر می‌باشد. (Barns, P.108) جان گالتونگ نیز پنج هدف اصلی آموزش صلح را دستیابی به مقاصدی چون عدم خشونت، رفاه اقتصادی، عدالت اجتماعی، تعادل زیست محیطی و مشارکت عمومی در امور مختلف می‌داند. (Galtung, P.43) در این میان، عدالت اجتماعی، عدم خشونت و علاقمندی به حفظ محیط زیست از اهمیت فزونی برخوردار است. (Stomfay Stitz, P.126)

کوک (Cook) در پژوهشی در خصوص اهداف آموزش صلح، مهم‌ترین مقاصد آموزش صلح را، از دیدگاه متخصصان این حوزه، تحت عناوینی چون افزایش مشارکت و هماهنگی، شناخت تعارضات محلی و جهانی، یادگیری نحوه دستیابی به صلح، ایجاد نگرش مثبت به صلح و به کارگیری روش‌های انسانی در حل تعارضات بر شمرده (Cook, P.48) و سرانجام بر اساس مطالعه‌ای از سوی «انجمن جهانی آموزش و پرورش پیش دبستانی» (Organization for Pre-School Education=WOPE)، مهم‌ترین هدف‌های آموزش صلح را پرورش ویژگی‌های زیر در کودکان و نوجوانان بر شمرده است:

۱. عشق و احترام به نوع بشر، حساس بودن به مسائل انسانی، صداقت، مهربانی و توانایی برقراری ارتباط مؤثر؛
 ۲. ایجاد نوعی آگاهی عمیق در بچه‌ها برای رعایت ارزش‌های اخلاقی و اصول پذیرفته شده اجتماعی؛
 ۳. احساس تعهد و مسئولیت نسبت به دیگران و مسائلی که افراد جامعه - ملی و بین‌المللی - یا آن مواجه هستند.
- همان طور که ملاحظه می‌شود، طیف وسیعی از اهداف و مقاصد برای آموزش صلح مطرح شده است، اما در یک طبقه‌بندی نهایی، اهداف آموزش صلح می‌تواند برحسب

نتایجی که از آن انتظار می‌رود، به دقت تعریف شود. در این راستا، آموزش صلح باینده جنبه‌های زیر را در دانش آموزان پرورش دهد (Sunds, P.66):

- الف. توانایی اندیشیدن: آگاهی از صلح و روشهای حصول به آن؛
- ب. هشیاری و آگاهی اجتماعی: مشارکت، همکاری و تشریک مساعی؛
- ج. زندگی عاطفی: احساس همدردی با دیگران در سطح گروه، جامعه محلی و بین‌المللی؛
- د. زندگی اخلاقی: مسئولیت‌پذیری برای اعمال شخصی؛
- ه. مهارت‌های صلح: مهارت در حل مسالمت‌آمیز تعارضات؛
- و. هشیاری زیست‌محیطی: احترام قایل شدن به تمامی اشکال زندگی و حیات.

برنامه‌های آموزش صلح

برای ترویج فرهنگ صلح، حداقل دو الگوی متفاوت را می‌توان در زمینه برنامه‌های آموزش صلح شناسایی کرد: «برنامه‌های درسی مجزا» (separate subjects)؛ «برنامه‌های درسی درهم‌تنیده» (integrated curricula). در برنامه‌های درسی مجزا، برنامه ویژه‌ای تحت عنوان آموزش صلح یا حل تعارض و میانجیگری در مراکز آموزشی و مدارس تدریس می‌شود (Kreidler, P.142; Schmidt and Friedman, P.92) در حالی که در برنامه‌های درسی درهم‌تنیده، مفاهیم و مضامین مرتبط با صلح در برنامه‌های درسی مختلف مراکز و مدارس گنجانده می‌شود. (Spodek and Brown, P.208; Gibbs, P.6) در حالت اخیر، پژوهش‌ها نشان داده است در برخی دروس - نسبت به سایر دروس - گنجانیدن مفاهیم مرتبط با صلح از اثربخشی بیشتری برخوردار است. این موضوعات به ترتیب اولویت عبارتند از: زبان مادری، علوم اجتماعی، علوم تجربی، مذهب و معارف دینی و سرانجام سایر دروس. (Bryans, P.53)

نکته مهم و شایان توجه دیگر، مفاهیم و مباحثی است که باید در برنامه‌های درسی آموزش صلح، چه به صورت مجزا و چه به صورت درهم‌تنیده، گنجانده شود. در این

خصوصاً نیز اتفاق نظر مشاهده نمی‌شود. در پژوهشی که در سال ۱۹۹۳ توسط اسموکر و دیگران در انگلستان انجام شده است، مهم‌ترین مفاهیم و مباحثی که باید در آموزش صلح مدنظر قرار گیرد شناسایی شده است. این مفاهیم عبارتند از: عدم جنگ و خشونت، تفاهم بین‌المللی، برابری و عدالت، آزادی فردی، صدمات و خسارات زیست‌محیطی. در پژوهش دیگری که در جامعه آمریکا انجام شده است و از متخصصان آموزش صلح در این زمینه نظرخواهی شده است، مجموعه مفاهیم اساسی عبارتند از: حل تضاد، همزیستی، مفاهیم و مشارکت، برابری اقتصادی بین‌المللی، سازمان‌های مرتبط با صلح، محیط زیست و مسئولیت‌پذیری. (Galbraith, P.11)

اما در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی ایران، برنامه درسی معینی تحت عنوان آموزش صلح یا عناوین مشابه وجود ندارد. بنابراین هرگونه بحث و بررسی در این زمینه باید بر سایر برنامه‌های درسی این دوره متمرکز باشد؛ همچنین مطالعه مستقلی درخصوص مفاهیم و مضامینی که باید در زمینه صلح به کودکان و نوجوانان ایرانی آموزش داده شود، در دسترس نمی‌باشد. با عنایت به این واقعیات، پرسش‌های زیر قابل طرح و بررسی می‌باشد.

سئوالات پژوهش

۱. مجموعه مفاهیم معرف صلح برای آموزش در دوره ابتدایی کدامند؟
۲. مجموعه مفاهیم معرف جنگ و خشونت کدامند؟
۳. میزان تأکید کتب درسی دوره ابتدایی بر هر یک از مفاهیم صلح و جنگ به چه میزان می‌باشد؟
۴. توزیع مفاهیم مرتبط با صلح و جنگ در هر یک از ابعاد محتوای کتب درسی (متن، تصاویر و پرسش‌ها) چگونه است؟
۵. نحوه عرضه مفاهیم مرتبط با صلح و جنگ در دروس مختلف دوره ابتدایی چگونه است؟

متدولوژی تحقیق

برای پاسخگویی به سئوالات فوق، دژ پژوهش حاضر از روش تحقیق توصیفی از نوع «تحلیل محتوا» (content analysis) استفاده به عمل آمد. در تکنیک تحلیل محتوا، مفاهیم و مضامین موجود در کتب درسی دوره ابتدایی با استفاده از چارچوب ویژه‌ای مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. برای این منظور ابتدا بر اساس یافته‌های درسترس در ادبیات آموزش صلح، مجموعه‌ای از مفاهیم معرف، شناسایی شدند. سپس چارچوب زیربند در اختیار ده نفر از متخصصان آموزش صلح در سطح دانشگاه‌های تهران قرار گرفت و بر مبنای نظرات ارائه شده، جدول مربوطه مورد تجدیدنظر و تعدیل قرار گرفت. جدول شماره ۱ چارچوب مورد استفاده برای تحلیل محتوا را نشان می‌دهد.

جدول ۱: چارچوب تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی در رابطه با صلح و جنگ

فراوانی در پرسها	فراوانی در تصاویر	فراوانی در متن	مفاهیم مرتبط با جنگ	فراوانی در پرسها	فراوانی در تصویر	فراوانی در متن	مفاهیم مرتبط با صلح
			• دشمنی				• آگاهی و همبازی جهانی
			• تجاوز و زور				• حل تضادها و برخوردها
			• خشونت				• مسئولیت‌پذیری اجتماعی
			• نزادپرستی				• همکاری و تشریک ساعی
			• تخریب محیط زیست				• علاقمندی به حفظ محیط زیست
			• جرم و جنایت				• برابری و عدالت
			• تضاد و برخوردهای اخلاقی				• گفتگو و مفاهم

جامعه آماری پژوهش، کلیه کتب درسی دوره ابتدایی بود. به طور کلی در حال حاضر ۲۷ کتاب درسی در یک دوره پنج ساله در مدارس ابتدایی تدریس می‌شود. به

منظور دستیابی به داده‌های دقیق و قابل اعتماد، از نمونه‌گیری صرف نظر شده و کلیه کتب درسی به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. برای جمع‌آوری اطلاعات، از جدول تحلیل محتوا استفاده شد. بر اساس این جدول (جدول ۱) محتوای کتب درسی در سه بخش عمده «متن» (نوشتاری)، «تصاویر» و «پرسش‌های آخر فصل» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مقیاس تحلیل محتوای متن، یک جمله کامل؛ مقیاس تحلیل تصاویر، یک تصویر، عکس یا نمودار؛ و مقیاس تحلیل پرسش‌های آخر فصل، یک پرسش ویژه یا منفرد بود. (Romay, P. به نقل از موسی‌پور، ۱۳۷۱) برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از روش‌های آمار توصیفی نظیر فراوانی، درصدگیری و رسم نمودار استفاده به عمل آمد.

برآیندهای تحقیق

تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی مستلزم بود که یکایک جملات، تصاویر و پرسش‌های ۲۷ کتاب درسی مورد بررسی قرار گیرد. این تحلیل گسترده به تجزیه و تحلیل ۲۸۰۷۴ جمله، تصویر و پرسش منجر گردید. نتایج کلی حاکی از آن است که از مجموع مفاهیم موجود در کتب درسی، بر صلح بیش از جنگ و خشونت تأکید شده است. جدول ۲ این مهم را نشان می‌دهد.

جدول ۲: مجموع مفاهیم صلح و جنگ در کتب درسی دوره ابتدایی

مفاهیم	فراوانی	درصد از کل
صلح	۲۹۳۸	۱۴٪
جنگ	۴۵۷	۲٪
سایر مفاهیم	۲۳۶۷۹	۸۴٪
جمع	۲۸۰۷۴	۱۰۰

همانطور که از جدول ۲۰ قابل استنباط است، ۱۴ درصد از محتوای کتب به آموزش مفاهیم مرتبط با صلح و ۲۰ درصد به ترویج جنگ و خشونت پرداخته است و سایر مفاهیم نیز ۸۴ درصد از محتوای کتب درسی را به خود اختصاص داده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بر صلح بیشتر از جنگ و خشونت در کتب درسی تأکید شده است؛ با این همه، وجود همین میزان مفاهیم مروج خشونت، بازنگری و تجدیدنظر در این کتب را الزام می‌دارد تا این مفاهیم نیز به مفاهیم بازدارنده از جنگ و خشونت تغییر یابند.

الف. یافته‌های تفصیلی جایگاه صلح در محتوای کتب درسی دوره ابتدایی
 در ارتباط با صلح، هفت مفهوم اصلی، بر اساس جدول تحلیل محتوا، مدنظر قرار گرفته بود. این مفاهیم در کتب درسی دوره ابتدایی به‌طور کلی دارای پراکندگی زیر بوده‌اند (جدول ۳):

جدول ۳: توزیع فراوانی مفاهیم مرتبط با صلح در کتب درسی دوره ابتدایی

فراوانی مشاهده شده	مفاهیم مرتبط با صلح در کتب درسی
۱۲۹ ^۰	● مسئولیت‌پذیری اجتماعی
۲۶۸۹	● آگاهی و مشارکت جهانی
۲۲۹ ^۱	● حل تضادها و برخوردها
۷۰۶	● همکاری و تشریک مساعی
۰۸۱	● علاقمندی به حفظ محیط زیست
۴۴	● برابری و عدالت
۶۱	● گفتگو و مفاهیم
۳۹۴۸	● جمع کل

همانطور که از جدول ۳ مشاهده می‌شود، آنگاهی به مسائلی جهانی‌ترین میزان (۶۸ درصد) از مفاهیم مرتبط با صلح در کتب درسی دوره ابتدایی را به خود اختصاص داده است و پس از آن همکاری و تشریک مساعی (۱۸ درصد) در زمره مهم‌ترین مفاهیم مورد توجه هستند. در عوض، مفاهیم برابری و عدالت (۱/۱ درصد) و گفتگو و مفاهیم (۵/۱ درصد) در پائین‌ترین میزان قرار دارند. حقیقت آن است که در آموزش صلح، توجه اندک به گفتگو و مفاهیم که ابزار اصلی و عمده تأمین صلح و مسالمت می‌باشد سؤال برانگیز است.

ب. جایگاه جنگ در محتوای کتب درسی دوره ابتدایی
در ارتباط با جنگ نیز هفت مفهوم معرفت‌شناسایی شد و پس از تأیید متخصصان، در تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گرفت. مفاهیم ذیربط در کتب درسی دوره ابتدایی دارای توزیع و پراکنندگی زیر بوده‌اند (جدول ۴):

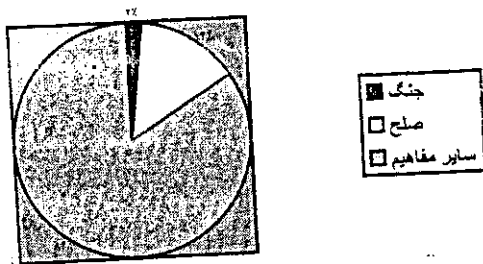
جدول ۴: توزیع فراوانی مفاهیم مرتبط با جنگ در کتب درسی دوره ابتدایی

فراوانی	مفاهیم مرتبط با جنگ در کتب درسی
۱۸۴	• دشمنی
۲۲	• تجاوز و زور
۱۰۸	• خشونت
۱۳	• نژادپرستی
۵۲	• تخریب محیط زیست
۷	• جرم و جنایت
۸۸	• تضادها و برخوردهای اخلاقی
۴۷۴	• جمع کل

همانطور که ملاحظه می‌شود، بیشترین مفاهیم عرضه شده در ارتباط با جنگ عبارتند از: دشمنی (۳۹ درصد) و خشونت (۲۳ درصد)؛ در حالی که کمترین میزان تأکید بر مفاهیمی چون نژادپرستی (۳ درصد)، زور و تجاوز (۵ درصد) متمرکز بوده است. تخریب محیط زیست یکی از مشکلات عمده کشور در حال حاضر

محسوب می‌شود نیز ۱۱ درصد از کل محتوا را به خود اختصاص داده است. وجود خطرات زیست‌محیطی در دوران کنونی، و ضرورت آماده‌سازی دانش‌آموزان برای حفظ محیط‌زیست، تغییر در محتوای این بخش و جایگزین کردن مفاهیم صلح‌جویانه در ارتباط با محیط‌زیست را ضروری می‌دارد.

ج. مقایسه محتوای کتب درسی از حیث توجه به صلح، جنگ و سایر مطالب مطروحه نمودار ۱ محتوای ارائه شده در کتب درسی را برحسب میزان توجه به هر یک از متغیرهای اصلی (= صلح، جنگ و سایر مفاهیم) نشان می‌دهد:



نمودار ۱: مقایسه میزان توجه به صلح، جنگ و سایر مفاهیم در کتب درسی دوره ابتدایی

با عنایت به نمودار ۱ می‌توان گفت که در کتب پنج‌ساله دوره ابتدایی بیشترین میزان تأکید بر مفاهیمی غیر از صلح و جنگ بوده است و پس از صلح، جنگ در اولویت بعدی قرار دارد.

د. میزان توجه به صلح و جنگ بر حسب پایه تحصیلی و ابعاد محتوا جدول ۵ میزان توجه به مؤلفه‌های مختلف صلح و جنگ در کتب درسی دوره ابتدایی را به تفکیک پایه تحصیلی و ابعاد محتوا (= متن، پرسش‌ها و تصاویر) نشان می‌دهد:

جدول ۵: میزان توجه به ضلع و جنگ بر حسب پایه تحصیلی و ابعاد محتوا

مفاهیم	متن	تصاویر	پرسش‌ها	جمع کل	رتب درسی در پایه‌های تحصیلی
ضلع	۲۳۶	۱۲۳	۹	۳۶۸	پایه اول
جنگ	۱۱	۱۰	-	۲۱	
سایر	۶۲۳	۱۳۱۸	۱۶۹	۲۱۱۰	
ضلع	۴۹۷	۶۸	۱۰۷	۶۶۴	پایه دوم
جنگ	۵۸	۱۳	۱۲	۸۳	
سایر	۱۲۲۸	۸۷۸	۱۱۹۵	۳۳۰۱	
ضلع	۷۸۲	۸۶	۱۷۱	۱۰۴۹	پایه سوم
جنگ	۵۶	۱۷	۱۳	۸۶	
سایر	۲۵۲۸	۱۰۵۹	۱۴۸۴	۴۵۰۷۱	
ضلع	۷۸۳	۶۳	۱۲۳	۹۶۹	پایه چهارم
جنگ	۶۶	۱۳	۵	۸۴	
سایر	۳۰۱۵	۷۱۴	۲۳۷۶	۶۱۵۵	
ضلع	۷۱۳	۴۰	۱۱۷	۸۷۰	پایه پنجم
جنگ	۱۴۵	۲۰	۱۸	۱۸۳	
سایر	۳۳۴۳	۹۸۹	۲۷۳۸	۷۰۷۰	

جزیه و تحلیل داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که:

به تفکیک پایه تحصیلی، بیشترین میزان توجه به آموزش ضلع در کتاب درسی پایه ابتدایی با ۴/۲۶ درصد مشاهده می‌شود. کمترین میزان توجه نیز در پایه اول می‌باشد با ۳/۹ درصد کل مفاهیم ضلع قرار دارد. ملاحظه می‌شود که پس از پایه اول، دوم با ۱۷ درصد، و سپس پنجم با ۲۳ درصد، پایه چهارم با ۲۵ درصد و سرانجام سوم با ۴/۲۶ درصد به ترتیب از کمترین به بیشترین میزان توجه قرار دارند. جدول ۶ مهم را بهتر به تصویر می‌کشد.

جدول ۶: خلاصه وضعیت توجه به مفاهیم ضلع و جنگ بر حسب پایه تحصیلی

پایه اول	پایه دوم	پایه سوم	پایه چهارم	پایه پنجم	درصد از کل محتوا
۴/۳	۱۷	۲۶/۴	۲۵	۲۲/۳	۱۴
۴/۶	۱۸/۴	۱۹	۱۸	۴۰	۲
۸/۹	۱۴	۲۱/۴	۲۶	۳۰	۸۴

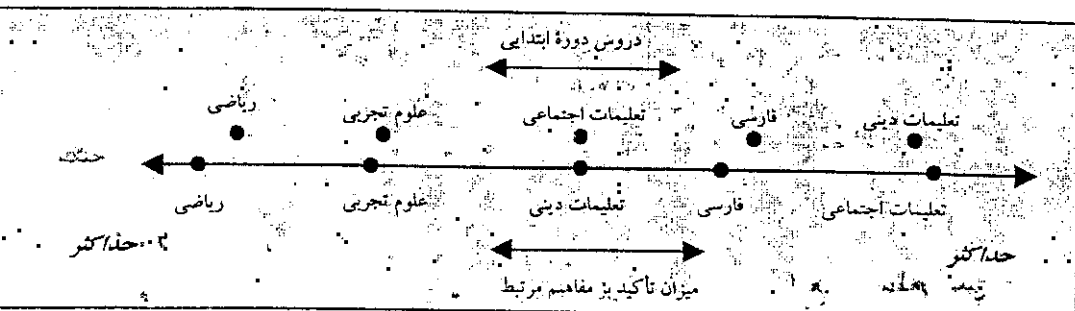
مشخص نیست که این شیوه عرضه مفاهیم صلح با کدام منطق سازماندهی و عرضه محتوا ارائه شده است. چنانچه الگوی عرضه مطالب به صورت مارپیچی باشد، باید مفاهیم هر سال با عمق و وسعت بیشتری عرضه شود؛ در حالی که این امر مشاهده نمی‌شود. و چنانچه محتوا با توجه به میزان سطح توانایی یادگیری دانش‌آموزان عرضه شده باشد، باز هم شیوه عرضه افزایش تدریجی محتوا را نشان نمی‌دهد، زیرا پس از افزایش در طی سال‌های اول تا سوم ابتدایی، مجدداً عرضه محتوای مرتبط با صلح حالت نزولی یافته است.

با توجه به ابعاد محتوا، مشاهده می‌شود که بیشترین میزان انتقال مفاهیم صلح از طریق متن نوشتاری (با فراوانی ۱۱-۳۰)، سپس پرسش‌ها (۵۳۳ مورد) و سرانجام تصاویر (با ۳۸۰ مورد) قرار دارد. این وضعیت در مورد مفاهیم مرتبط با جنگ نیز مصداق دارد؛ به بیان دیگر، شیوه عرضه بیشتر به صورت متن و مطالب نوشتاری است تا تصاویر و نمودارها. این یافته نشان می‌دهد که در عرضه مطالب نیز اصول علمی رعایت نشده است؛ زیرا بر اساس بسیاری از نظرات رشد (پیاژه، ۱۳۶۷؛ ویگوتسکی، ۱۹۷۸ و...) کودکان در دوره ابتدایی در مرحله تفکر عینی قرار دارند و باید در ارائه مطالب درسی از تمام حواس بچه‌ها، به ویژه در قالب تصاویر، استفاده به عمل آورند.

هم عرضه محتوای کتب درسی در قالب دروس مختلف

و بالاخره در پاسخ به این پرسش که عرضه مفاهیم مرتبط با صلح و جنگ از طریق کدامیک از دروس دوره ابتدایی صورت گرفته است، جدول ۷ استخراج شده است.

داده‌های جدول ۷ نشان می‌دهد که بیشترین میزان عرضه مفاهیم مرتبط، به ترتیب، در دروس تعلیمات دینی و قرآن (ترتیب مذهبی)، زبان مادری (فارسی)، تعلیمات اجتماعی، علوم و ریاضی عرضه شده است. داده‌های جدول ۸ را می‌توان در قالب شکل ۱ به تصویر کشید.



شکل ۱: میزان عرضه محتوای مرتبط با صلح و جنگ در دروس مختلف

این یافته‌ها با آنچه در ادبیات آموزش صلح تجویز شده است، تفاوت قابل توجهی دارد. به موجب تحقیقات انجام شده، چنانچه محتوای مرتبط با صلح در قالب دروس عادی و درهم تنیده با آن و نه به صورت یک درس مستقل ارائه شود، مناسب‌ترین دروس به ترتیب اولویت عبارت خواهند بود از: زبان مادری، تعلیمات اجتماعی، علوم تجربی، مذهب و معارف دینی و سرانجام سایر دروس (= نظیر ریاضیات و...) (Brayns)، در حالی که در کتب درسی نظام آموزش و پرورش ایران این امر مورد غفلت قرار گرفته است و در عوض دروسی چون تعلیمات اجتماعی و علوم تجربی از جایگاهی بسیار پایین در این زمینه برخوردار می‌باشند. جدول ۸ خلاصه داده‌های مرتبط را نشان می‌دهد.

جدول ۸: نحوه عرضه مفاهیم مرتبط با صلح و جنگ در قالب دروس مختلف

مؤلفه‌ها	صلح	جنگ	جمع
فارسی	۸۷۷	۱۴۳	۱۰۲۰
علوم تجربی	۲۰۸	۳۸	۲۴۶
ریاضی	۹۰	-	۹۰
تعلیمات دینی و قرآن	۲۳۵۵	۱۳۵	۲۴۸۰
تعلیمات اجتماعی	۴۰۸	۱۴۱	۵۴۹
جمع	۳۹۳۸	۴۴۹	۴۲۸۶

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که ملاحظه شد، چالش‌های عمده‌ای که فرازروی جوامع در سطح ملی و بین‌المللی در آغاز هزاره سوم قرار دارد و ظرفیت‌های فراوان بالقوه جنگ و خشونت (در سایه تضاد منافع)، سبب شده است که تلاش‌های گسترده‌ای در اشکال مختلف حفظ صلح و حل تضادها و برخوردها از یکسو و ایجاد فضا و جو روانی و اجتماعی مناسب برای ایجاد و برقراری صلح از سوی دیگر در دستور کار بسیاری از کشورهای جهان قرار گیرد. در این راستا، نظام آموزش و پرورش نقش بسیار بارز و اثرگذاری در ایجاد صلح و حل تضادها دارد، به ویژه برنامه‌های درسی که علی‌القاعده باید آینه تمام‌نمای خواسته‌ها و انتظارات اجتماعی باشند.

مطالعه حاضر که بر کتب درسی دوره ابتدایی و میزان توجه به مفاهیم صلح و جنگ متمرکز بود، نشان داد که به طور کلی مؤلفه‌ها و مفاهیم مرتبط با صلح حداقل در هفت زمینه عمده «مسئولیت‌پذیری، آگاهی و هشیاری جهانی، حل تضادها و برخوردها، همکاری و تشریک مساعی، حفظ محیط زیست، برابری و عدالت، و گفتگو و مفاهیم» در دوره ابتدایی قابل تعقیب و آموزش هستند. همچنین مؤلفه‌هایی که به عنوان آسیب‌های آموزش صلح تلقی می‌شوند - و از آن‌ها تحت عنوان مفاهیم مرتبط با جنگ نام برده شد - نیز مواردی چون «دشمنی، تجاوز و زور، خشونت، نژادپرستی، تخریب محیط زیست، جرم و جنایت و برخورد و تضادهای اخلاقی» می‌باشد. شناسایی این

عناصربه ماکمک می‌کنند تا در طراحی و تدوین محتوای برنامه‌های درسی حتی الامکان از ترویج آن‌ها خودداری کنیم.

گرچه مطالعه حاضر نشان داد که مفاهیم مرتبط با صلح (با فراوانی ۳۹۳۸ و ۱۴٪ کل کتب درسی) بسیار بیشتر از جنگ (با فراوانی ۴۵۷ و ۲٪ درصد کل کتب درسی) مورد توجه بوده است، این حقیقت که در حال حاضر ۲ درصد محتوای کتب درسی دوره ابتدایی صرف آموزش و ترویج جنگ و خشونت می‌شود، بیانگر مجموعه اصلاحاتی است که ضرورتاً می‌باید در کتب درسی این دوره از تعلیم و تربیت ایجاد شود. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که سیر توالی و عرضه مطالب مرتبط با صلح از نظم ویژه‌ای پیروی نمی‌نماید؛ به نحوی که نه تنها مفاهیم مرتبط با صلح همگام با افزایش پایه‌های تحصیلی از عمق و توسعه ویژه برخوردار نمی‌شود، حتی توالی روانشناختی محتوا (به معنای تناسب محتوا با توانایی یادگیرنده و افزایش مباحث مرتبط با صلح در سطوح بالاتر تحصیلی) نیز رعایت نمی‌شود.

یافته‌های تکمیلی بیانگر آن است که علیرغم تأکید ادبیات تعلیم و تربیت بر استفاده از حواس در یادگیری دوره ابتدایی، مطالب عمدتاً بصورت متن نوشتاری عرضه می‌شود و تصاویر و عکس‌های مختلف در کتب درسی از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نمی‌باشند. همچنین نحوه عرضه محتوای مرتبط با صلح در دروس مختلف با آنچه توسط پژوهش‌ها مورد تأکید قرار گرفته سازگاری ندارد و زبان مادری (= فارسی) و نیز تعلیمات اجتماعی نسبت به سایر دروس در انتقال مفاهیم مرتبط با صلح به دانش آموزان نقش بارزتری ندارند.

جملگی یافته‌های فوق بیانگر این حقیقت است که گنجاندن مفاهیم مرتبط با صلح در کتب درسی فاقد برنامه‌ریزی و قصد از پیش تعیین شده است و هم از این رو بازاندیشی و تأملی مجدد در این زمینه بسیار ضروری به نظر می‌رسد. اگر بپذیریم که زندگی صلح آمیز شایسته‌ترین الگوی زندگی برای آدمیان در دوران معاصر است و همچنین اگر بپذیریم که کودکان و نوجوانان امروز، نقش آفرینان، مدیران و کارگزاران آینده خواهند بود،

فرصت موجود برای تربیت آنان در مدارس، به ویژه از طریق برنامه‌های درسی، ارزشمندترین امکان برای آماده‌سازی آنان جهت زیست در یک جامعه مسالمت آمیز خواهد بود؛ همانطور که گاندی گفته است:

اگر خواهان صلح واقعی در جهان هستیم، باید از بچه‌ها آغاز کنیم. اگر آنان با فطرت پاک و طبیعی خود رشد کنند، دیگر مجبور نخواهیم بود که برای توقف جنگ و خشونت تلاش کنیم.

(Drew, P.62)

منابع و مآخذ

- بوتون، گالتون. جامعه‌شناسی جنگ. ترجمه هوشنگ فرخجسته. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- پیاژه، ژان. تربیت به کجا ره می‌سپرد. ترجمه علی محمد کاردان. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- ذکاوتی، فراگزلو، علی. تحلیل و نقد دلالت‌های تربیتی در اندیشه صلح کمینوس، کانت و کائونگ، (رساله دکتری چاپ نشده). تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
- موسی‌پور، نعمت‌الله. تحلیل محتوای درس دینی دوره ابتدایی با استفاده از روش ویلیام رومی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده). تهران: دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۱.

Barash, D. *Introduction to Peace Studies*. Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company, 1991.

Brandt, V. Teaching Peace. In: *Journal of Young Children*, 48(3) 1998.

Bryans, M. Peace Education. In: *Journal of Peace and Security*, 1(4) 1996

Burns, R. Peace Education and Curriculum, In: T. Crason and D. Hendrik (Eds.) *Peace Education*. WCCI, 1983.

Carsson, Tand Levin, W. *Dimensions of Peace Education*. Edmonton, AB: University of Alberta, 1992.

Cook, A. "Non Violence". In: *Journal of Peace Educator*, 1(6)

- Dewine, Y. "Education for a Peaceful World". In *Journal of American Psychologist*, 48(3)
- Drew, N. *Learning the Skills of Peacemaking*. CA: Jalmer Press, 1987
- Galbraith, J. "Peace Curriculum". *Cambridge Journal of Education*, 1997
- Galtung, J. *Peace Education: Problems and Conflicts*. UK: IPC Science and Technology Press, 1976.
- Galtung, J. "Twenty - five Years of Peace Research", In: *Journal of Peace Research*. 22(2). 1985
- Gibbs, J. "A New Way of Learning Together". In: *Elementary School Journal*, 85(5). 1994
- Hendrickson, J. A. *An Interpretive Study of the Meaning of Peace Education*. (Unpublished Ph.D Dissertation). Arizona State University. 1999.
- James, J. "Hope Through Action". (Paper Presented at National Conference on Peace Education). New York, Nov. 16. 1996
- Kreidler, W.J. *Creative Conflict Resolution*. New York: Foresman Publishing Company, 1984
- McFarland, S. "A Model for Peace Education". *Montesori Life*. 11(1), 1999
- Montessori, M. *Education and Peace*. Trans. H. Lane Chicago: Regnery Press. 1987. 1949-1972
- Reardon, B. *Comprehensive Peace Education*. New York: Teachers College, Columbia University, 1996.
- Schmidt, F. and Friedman, A. *Peacemaking Skills for Little Kids*. Miami: Abrams Peace Education Foundation, 1998
- Smoker, S. and Rathenow, A. "Peace Education in Canada". *Journal of Peace*
www.SID.ir

Education, 8(2), 1993

Spodek, B. and Brown, P.C. Curriculum Alternatives in Early Childhood Education, In: B. Spodek (Ed). *Handbook of Research on the Education of*

Young Children. New York: Macmillan.

Stomfay - Stitz, A. *Peace Education in America*. New York: Scarecrow Press, 1993

Sunds, S. "Education for Peace and International Understanding". Paper from *OMEP International Seminar*. Moscow, 1993

Strugen, T. *Peacekeeping*. (WWW. Colorado. Edu/Csup. 2001)

Sydiaha, J. Spirit of Coyote Women, In W. Needham (Ed). *Women and Peace*. Halifax Press, 1987

Tuch scherer, P. "Peace Education for Children". *ERIC Document*. No. Ed 375973, 1988

Wulf, C. "Peace Education". In: *International Encyclopedia of Education*. Edited by: A. Lewy. Pergamon Press, 1997

Vygotsky, L.S. *Mind in Society*, Cambridge: Harvard University Press, 1978.